

بازنمایی برکناری مرسی در اخبار تلویزیونی صداوسیما ج.ا.ا و بی‌بی‌سی فارسی

سیدمحمد مهدی‌زاده^۱، عبدالرحمان علیزاده^۲

چکیده

روایت رسانه‌ها از رویدادها، روایت عینی نیست، بلکه بازنمایی آن در چارچوب‌های گفتمانی و ایدئولوژیکی است. این مقاله به دنبال آن است تا ببیند یکی از مهم‌ترین رویدادهای خاورمیانه (برکناری مرسی) چگونه توسط رسانه‌هایی با چارچوب‌های گفتمانی مختلف (شبکه یک صداوسیما ج.ا.ا و بی‌بی‌سی فارسی) بازنمایی می‌شود. روش بررسی این نوشتار تحلیل گفتمان انتقادی است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی از گفتمان لیبرال‌دموکراسی در قالب مؤلفه‌هایی چون مشروعیت اکثریت، حکومت قانون و برابری برای بازنمایی رویداد مصر استفاده کرده و در مقابل شبکه یک تلویزیون ج.ا.ا. از مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی همچون حمایت از اسلام‌گرایان، حمایت از جبهه مقاومت و توطئه غرب برای برساخت رسانه‌ای رویداد مصر بهره گرفته است. علاوه بر این، شبکه یک، مؤلفه‌های گفتمانی دیگر، همچون دموکراسی و خواست اکثریت را نیز برای بیان مقاصد خود به خدمت گرفته است.

واژه‌های کلیدی

بازنمایی، تحلیل گفتمان، مصر، بی‌بی‌سی فارسی، صداوسیما ج.ا.ا

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۰

mahdizadeh45@Yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

a.alizadeh@st.atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

❖ مقدمه

هرچند عینیت در خبر به عنوان یک اصل مقبول در خبرنگاری مطرح شده است، ولی بررسی محتوای اخبار در رسانه‌ها نشان می‌دهد که آنچه در قاب رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شود، با «گزارش عینی» فاصله زیادی دارد (Lloyd, 2004: 11). آنچه در واقعیت می‌توان مشاهده کرد، روایت منحصر به فرد هر رسانه از رویداد است. به گونه‌ای که تصویر رویدادها در رسانه، نه نمایش تصویری عینی که بازنمایی رویداد است.

بازنمایی را چنان‌که استوارت هال می‌نویسد، می‌توان «تولید معنا از طریق زبان» تعریف کرد (هال، ۱۳۹۱: ۳۵۰). البته بازنمایی تنها مختص نظام زبان نیست، بلکه هر نظامی که بتوان با استفاده از آن جهان بیرون را معنی‌دار کرد، نوعی نظام بازنمایی است و از آنجا که دانسته‌های مخاطبان ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که رسانه‌ها ارائه کرده‌اند، می‌توان رسانه‌ها را نوعی «نظام بازنمایی» نامید که بازیگران اجتماعی از آن برای معنادار ساختن جهان استفاده می‌کنند. این معنا بسته به نیت بازیگران با استفاده از «شکل خاصی از کاربرد زبان» منتقل می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۶). اینجاست که بازنمایی و گفتمان به هم پیوند می‌خورند. در حقیقت، رسانه‌ها برای انتخاب اجزای واقعیت و برساخت معنا، در درون چارچوب‌هایی (ساختارهای نهادی، اجتماعی، سیاسی، خط‌مشی‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی و امثال آن) عمل می‌کنند که توسط گفتمان‌ها تعیین شده‌اند. بنابراین وظیفه مطالعات رسانه‌ای، تلاش برای شناخت این نکته است که در جریان بازنمایی، معنی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود.

به این ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که مواجهه مخاطب با جهان و رویدادهای آن، مواجهه بلافصل نیست، بلکه مواجهه از طریق بازنمایی است. در واقع مخاطبان، امروزه در محیط رسانه‌ای متکثری قرار دارند که برای آگاهی از رویدادها، از میان روایت‌های ارائه شده، یک یا چند روایت یا بخش‌هایی از آنها را برمی‌گزینند. اما

چنان‌که پیشتر ذکر شد، این روایت‌ها، بازنمایی‌های رسانه‌ای هستند که ریشه در گفتمان‌های متعددی دارند. از این رو افکار عمومی با این بازنمایی‌های رسانه‌ای، تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، در جهان مدرن، دولت‌ها برای پیشبرد اهداف خود به افکار عمومی متکی هستند و سعی در همراه‌سازی افکار عمومی دارند. در حقیقت این تسخیر و همراه ساختن افکار عمومی است که به بازنمایی رسانه‌ها از رویدادها و پذیرش آن از سوی مخاطبان اهمیت داده است.

در این راستا دولت‌ها سعی دارند بازنمایی رسانه‌ها از رویدادها به معنای مورد نظر آنها نزدیک‌تر باشد، چراکه در صورت پذیرش این معنا از سوی مخاطبان، به حمایت افکار عمومی از گفتمان مورد حمایت دولت و در نهایت سیاست دولت منتهی می‌شود. البته در این میان، رویدادهای خارجی اهمیت افزون‌تری دارند، چراکه مخاطب برای آگاهی از رویدادهای داخلی، منابع و کانال‌های ارتباطی متعددی در دسترس دارد؛ اما مواجهه مخاطب با رویدادهای خارجی تقریباً به بازنمایی رسانه‌ای منحصر می‌شود. بازنمایی برخی از این رویدادها به دلیل مجاورت معنوی یا جغرافیایی یا تأثیرگذاری رویداد بر شرایط داخلی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است. یکی از مهم‌ترین این رویدادها برای افکار عمومی داخل ایران، رویداد مصر (سقوط مبارک، پیروزی اسلام‌گرایان، برکناری مرسی و...) است.

از دیرباز مصر به همراه ایران و ترکیه، از کشورهای کانونی و تأثیرگذار بر سایر کشورهای اسلامی و منطقه به‌شمار می‌رود. البته مصر علاوه بر تأثیرگذاری بر همه کشورهای اسلامی، به‌طور خاص نقش کانونی در جهان عرب و تحولات آن را به‌عهده دارد. از این رو تحولات مصر از سویی به دلیل مجاورت معنوی و از سوی دیگر به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای استراتژیک، برای سیاست خارجی ایران بسیار حائز

اهمیت است، چراکه برداشت افکار عمومی داخل ایران از رویدادهای مصر می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف سیاست خارجی داشته باشد.

در حال حاضر دست‌کم دو گروه رسانه‌ای فارسی‌زبان را می‌توان برای مخاطبان داخل ایران به‌عنوان منبع معنا در مورد رویداد مصر تلقی کرد. گروه اول رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور هستند که بی‌بی‌سی فارسی را می‌توان جدی‌ترین نماینده آن به‌شمار آورد و دیگری صداوسیما جمهوری اسلامی که دارای شبکه‌های متعددی است. هر یک از این رسانه‌ها بازنمایی متفاوتی از رویداد مصر ارائه کرده‌اند و مبتنی بر گفتمان‌های کلانی است که در درون آن عمل می‌کنند. مخاطب فارسی‌زبان به هر دو نظام بازنمایی دسترسی دارد و به دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات از طریق سایر مکانیسم‌های ارتباطی، می‌توان چنین تصور کرد که تصویر مخاطبان ایرانی از رویداد مصر تحت تأثیر همه یا بخشی از تصویر بازنموده این رسانه‌هاست. مقاله حاضر برای شناخت مختصات این بازنمایی‌ها، به دنبال پاسخ به این پرسش است که تلویزیون‌های بی‌بی‌سی فارسی و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (شبکه یک)، رویداد برکناری مرسی از قدرت را (گسترش اعتراض‌ها، برکناری مرسی و تحولات پس از آن) چگونه بازنمایی کرده‌اند؟

ادبیات نظری

بازنمایی

استوارت هال، بازنمایی را تولید معنی از طریق زبان می‌داند (۱۳۹۱: ۳۵۰). وی استدلال می‌کند که واقعیت به‌نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶) و البته عملی خنثی در معنادهی به جهان نیست، چراکه هرچند بازنمایی در بافت معانی (مثل عقل سلیم) تولید و توزیع می‌شود، اما این وضعیت تحت اداره و کنترل یک نظام قدرت است که به بعضی از معانی مشروعیت می‌بخشد و به بعضی دیگر خیر. بنابراین بعضی از ایده‌ها و معانی، مسلط و

بقیه کنار نهاده می‌شوند. از این لحاظ می‌توان بازنمایی را ایدئولوژیک دانست (Casey et al. , 2002: 145-146).

ون‌دایک، رویکرد دوگانه‌ای به ایدئولوژی دارد. از یک‌سو ایدئولوژی را منظومه‌ای خودبسنده می‌داند که به طریقی ساخته و پرداخته و به‌کار گرفته می‌شود که تا حد امکان اعمال و شناخت‌های اجتماعی هر گروه را در جهت تأمین منافع جمعی آنها به‌کار ببندد. بنابراین ایدئولوژی به انسجام گروهی، همبستگی و بازتولید گروهی کمک می‌کند (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۱۲۶). از سوی دیگر ایدئولوژی‌های گروه‌های مسلط، شکل‌گیری بازنمودهای اجتماعی، صورت‌بندی مدل‌ها و تولید کنش و گفتمان اعضای گروه را به‌نحوی تحت نظر دارند که گروه مسلط، قدرت خود را از کف ندهد و استیلای خود را استمرار بخشد (همان: ۳۱۱)، تا جایی که فرکلاف، ایدئولوژی را «معنا در خدمت قدرت» و به‌عبارت دقیق‌تر، برساخته‌ معنایی می‌داند که به تولید و بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۳۰). ایدئولوژی، این کار را از طریق «گفتمان» انجام می‌دهد. از این منظر، گفتمان یک نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می‌یابد تا مجموعه‌ای منسجم از معانی را درباره‌ یک حیطه موضوعی مهم به‌وجود آورد و توزیع کند. این معانی در خدمت منافع آن بخش از جامعه است که گفتمان، از درون آن سرچشمه می‌گیرد و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی‌اش تلاش می‌کند آن معانی را به عقل سلیم مبدل سازد (Giles and Middleton, 1999: 55). بنابراین، گفتمان، نوعی کنش (عمل) اجتماعی است که احتمال دارد از ایدئولوژی مسلط، طرف‌داری کند یا به مخالفت با آن بپردازد.

از دید فوکو نیز، گفتمان نوعی نظام بازنمایی است که موضوع را برمی‌سازد و ابژه دانش ما را تعریف و تولید می‌کند. بدین ترتیب، معنی و عمل معنی‌دار در گفتمان برساخته می‌شود (هال، ۱۳۹۱: ۳۶۳-۳۶۲). بازیگران اجتماعی، از نظام‌های مفهومی

فرهنگی، زبان‌شناختی خود و دیگر نظام‌های بازنمایی برای برساختن معنی استفاده می‌کنند تا به جهان معنی بدهند و ارتباط معنی‌داری با دیگران برقرار کنند (همان: ۳۵۹). بنابراین تولیدات رسانه‌ای هم بخشی از نظام‌های بازنمایی هستند که با استفاده از رمزگان‌های بسیاری به بازنمایی رویدادها و واقعیت‌های جهان می‌پردازند.

در این معنی، هال، رسانه‌ها را بخشی از «سیاست معناسازی» تعریف می‌کند و معتقد است رسانه‌ها به رویدادهایی که در جهان به وقوع می‌پیوندند، معنا می‌دهند. او می‌گوید رسانه‌ها واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آنکه فقط معناهای موجود را منتقل کنند، از خلال گزینش، عرضه و سپس بازتولید و صورت‌بندی مجدد آن رویداد، برای آنها معنا می‌آفرینند (ویلیامز، ۱۳۸۶: ۱۷۶). بنابراین گروه مسلط برای استمرار بخشیدن به استیلای خود، به کنترل رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهای بازنمایی روی می‌آورد تا «شکل‌گیری بازنمودهای اجتماعی، صورت‌بندی مدل‌ها و تولید کنش و گفتمان اعضای گروه» را برای حفظ قدرت خود تحت نظارت داشته باشد (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۳۱۱ - ۳۱۰).

بنابراین اگر بازنمایی را معنادهی به جهان بدانیم، این معنادهی در چارچوب گفتمان مستقر اتفاق می‌افتد. بازنمایی‌های رسانه‌ای نیز نظام‌های بازنمایی هستند که چارچوب گفتمانی صاحبان خود و در نتیجه ایدئولوژی شناختی آنان را در خود مستتر دارند.

به همین علت پژوهشگران معتقدند خبر به شکلی اجتماعی ساخته می‌شود و نه تنها به انعکاس بی‌طرفانه واقعیت اجتماعی و حقایق تجربی نمی‌پردازد، بلکه در ساخت اجتماعی واقعیت نیز مداخله می‌کند (شکرخواه، ۱۳۷۷: ۶)، چراکه فرایند چارچوب‌سازی در یک تعامل دامنه‌دار میان روزنامه‌نگاران، نخبگان و جنبش‌های اجتماعی رخ می‌دهد. برون‌دادهای فرایند چارچوب‌سازی هم چارچوب‌هایی هستند که در متن پدیدار می‌شوند (Vreese, 2005: 52). از سوی دیگر، درک و استفاده از اخبار نیز تحت تأثیر همین ساخت‌های متنی قرار می‌گیرد (Van Dijk, 1988: 2). یکی از

رویدادهای مهم اخیر که مخاطبان ایرانی با بازنمایی‌های رسانه‌ای مختلف آن مواجه شدند، رویداد برکناری مرسی است.

گفتمان‌های رسانه‌ای و رویداد برکناری مرسی

اعتراض‌های موسوم به بهار عربی به سرعت در نیمه اول ژانویه ۲۰۱۱ با امواج قدرتمند جامعه مدنی از تونس به مصر سرایت کرد (Moghadam, 2013: 393-394). ارتش، از جنبش غیرخشونت‌آمیز مخالف حمایت کرد (Nepstad, 2013: 338) به این ترتیب، دولت حسنی مبارک که «قابلیت سرکوب‌کنندگی آن روی حداقل آستانه» قرار داشت (Blayds and Lo, 2013: 110)، مجبور به کناره‌گیری شد.

پس از استعفای مبارک، ارتش با حمایت مردم، دولت انتقالی را در دست گرفت تا اصلاحات دموکراتیک سریع را پیگیری کند (Spindel, 2011: 3). در نهایت، با آنکه در مصر همه گروه‌های سیاسی غیراسلامی و سکولار دوش به دوش احزاب اسلام‌گرا در صحنه سیاسی حضور داشتند (بصیری و حسنی بلیانی، ۱۳۹۱: ۵۶)، با برگزاری انتخابات، احزاب اسلام‌گرا، اخوان المسلمین و حزب سلفی نور به قدرت رسیدند (Moghadam, 2013: 393-394).

به دنبال این پیروزی، در حالی که غرب، در حالت کلی نسبت به «ظهور اسلام به عنوان یک نیروی سیاسی» بدگمان بود (Eyadat, 2013: 734)، گروه‌های غیراسلام‌گرا، از قدرت گرفتن اخوان المسلمین و به تبع آن نادیده گرفته شدن سهم خود از قدرت نگران بودند. آنها معتقد بودند که اخوان تنها بخشی از انقلاب مصر است نه رهبر آن (Dallmayr, 2012: 503).

با گسترش اعتراض‌ها در مصر، ارتش در پی اولتیماتومی ۴۸ ساعته به طور مستقیم وارد عرصه سیاسی شد. مرسی روز سوم جولای، ساعاتی پس از اتمام ضرب‌الاجل ارتش، به طور رسمی برکنار شد و ارتش اداره کشور را به دست گرفت (Wikipedia, 2013).

با برکناری مرسی، راهپیمایی اعتراض‌آمیز هواداران او ادامه یافت. ارتش بر خلاف بی‌طرفی در انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر، در سال ۲۰۱۳ رویه مداخله مستقیم و سرکوب هواداران مرسی را در پیش گرفت. پس از حمله ارتش به هواداران مرسی در ۱۷ جولای، رئیس‌جمهور موقت مصر اعلام کرد، واگذاری قدرت به دولت بعدی از طریق انتخابات در بهار آینده انجام می‌گیرد (Gray, 2013). این بار گروه‌های سیاسی در شرایطی برای در اختیار گرفتن قدرت سیاسی رقابت می‌کردند که سازمان‌دهی شده‌ترین بازیگر سیاسی یعنی اخوان‌المسلمین (Smith-Spark, 2013) عملاً از عرصه رقابت کنار گذاشته شده بود.

اما علاوه بر آنچه در واقعیت در پهنه جغرافیایی مصر اتفاق افتاد، رسانه‌ها در بازنمایی این رویداد، متأثر از گفتمان‌های مسلط در فضای سیاسی کشور متبوع خود و خط‌مشی‌های رسانه‌ای برآمده از آن بودند. این گفتمان‌ها را برای مخاطبان ایرانی فارسی‌زبان، می‌توان گفتمان لیبرال‌دموکراسی که رسانه‌های خبری فارسی‌زبان خارج از ایران و به‌طور خاص بی‌بی‌سی نماینده آن هستند و گفتمان انقلاب اسلامی که شبکه‌های مختلف صداوسیما آن را نمایندگی می‌کنند، دانست.

گفتمان لیبرال‌دموکراسی، به رژیم‌های سیاسی اشاره دارد که در آن، شهروندان از مجموعه‌ای از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی نهادینه‌شده بهره‌مند می‌شوند (Moghadam, 2013: 394). در نظام لیبرال‌دموکراسی، درجه بالایی از مشروعیت سیاسی ضرورت دارد. ارزش‌های اصلی مورد حمایت در لیبرال‌دموکراسی را می‌توان آزادی (Oliver and Heater, 1994: 120) و برابری (Faulks, 2000: 163؛ بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۳) در برخورداری از حقوق و مسئولیت دانست.

اما گفتمان انقلاب اسلامی مورد بحث در این مقاله، گفتمانی است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان گفتمان مسلط مطرح شد و در جریان این تحولات، مفاهیمی چون «سیاست» در اندیشه غرب، به «حکومت اسلامی»، «دموکراسی» به

«مردم‌سالاری دینی» و «آزادی» به «آزادی الهی» تغییر یافتند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲: ۹۹-۱۰۲). علاوه بر این، مؤلفه‌های «استکبارستیزی» و «حمایت از مقاومت اسلامی» (بصیری و حسنی بلیانی، ۱۳۹۱: ۴۹) در سراسر جهان به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی این گفتمان شناخته می‌شوند. به‌نظر می‌رسد، تلویزیون‌های مورد بررسی با توجه به زمینه ایدئولوژیک خود در چارچوب مؤلفه‌های این دو گفتمان (بی‌بی‌سی در چارچوب گفتمان لیبرال‌دموکراسی و شبکه یک در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی) به بازنمایی رویداد مصر پرداخته‌اند. این مقاله درصدد است با تحلیل گفتمان اخبار مربوط به برکناری مرسی و پیامدهای آن در تلویزیون‌های بی‌بی‌سی فارسی و شبکه یک، نحوه بازنمایی این رویدادها را در این شبکه‌ها با توجه به چارچوب‌های گفتمانی حاکم بر هر یک، بررسی و مقایسه کند.

روش

در مقاله پیش‌رو، تلفیقی از روش تحلیل گفتمان انتقادی مورد استفاده قرار گرفته است تا نحوه بازنمایی رویداد مصر در متون مورد نظر، بررسی شود. البته الگوی تحقیق برای تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی ون‌دایک برای تحلیل متون خبری است (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۴۷). در این نوشتار، منظور از خبر رویداد، کل بسته خبری در هر برنامه خبری است. جامعه آماری نیز شامل برنامه ۶۰ دقیقه بی‌بی‌سی فارسی و خبر ساعت ۹ شبکه یک در فاصله یک‌ماهه ۸ تیر تا ۸ مرداد ۱۳۹۲ است. کل اخبار یک‌ماهه فوق از هر دو شبکه ضبط و بسته‌های خبری مربوط به مصر مشخص شدند و از هر شبکه سه بسته خبری به‌عنوان نمونه به‌گونه‌ای انتخاب شدند که بازگوکننده تحولات و شرایط مصر قبل، حین و بعد از برکناری مرسی باشند. به این ترتیب از بی‌بی‌سی فارسی، بسته خبری مربوط به مصر در برنامه ۶۰ دقیقه در روزهای ۹، ۱۲ و ۱۷ تیر انتخاب شدند و از برنامه خبر ساعت ۹ شبکه یک نیز بسته‌های خبری مربوط به مصر در روزهای ۱۰، ۱۳ و ۱۷ تیر انتخاب شدند. بنابراین شش نمونه از هر دو شبکه انتخاب و تحلیل شدند. همچنین واحد تحلیل، کل متن است.

متون مورد بررسی، در دو مرحله تحلیل شدند. در مرحله اول، سعی شد مؤلفه‌های گفتمانی و معناهای ضمنی متون (انسجام واژگانی، قطب‌بندی، مفاهیم ضمنی شامل استعاره، کنایه، حسن‌تعبیر، تداعی، تخفیف، اغراق، کوچک‌نمایی و بزرگ‌نمایی) آشکار و در مرحله دوم یافته‌های مرحله اول بر اساس رویه‌های سیاسی، اجتماعی، نهادی و فرهنگی تولید متن تبیین شوند.

تحلیل متن رویداد مصر از بی‌بی‌سی فارسی

از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی سه بسته خبری مربوط به مصر از برنامه ۶۰ دقیقه انتخاب شد. در اینجا هر بسته خبری یک متن تلقی شده و منظور از متن اول، بسته خبری متعلق به ۹ تیر، متن دوم بسته خبری متعلق به ۱۲ تیر و متن سوم بسته خبری متعلق به ۱۷ تیر است.

مرحله اول: شناخت عناصر گفتمانی

۱. انسجام واژگانی

در متن اول، واژگان مثبت را در سه گروه و واژگان منفی را در دو گروه می‌توان جای داد. واژه‌های مثبت در این سه گروه ابتدا با استفاده از کلمه‌هایی مانند امنیت، دموکراسی، نان، آزادی، عدالت اجتماعی، آزادی بیان، زندگی بهتر و آینده بهتر، علت بحران به وجود آمده را توضیح می‌دهند و سپس با به‌کارگیری کلمه‌هایی چون انبوه عظیم، حضور، اقشار مختلف، قیام، انقلاب، معترضان، عظیم و تحول، از مشروعیت آن دفاع می‌کنند. متن، از واژه‌های منفی شامل کلمه‌هایی مانند هیتلر، تروریسم، دولت فاشیست، بی‌کفایت و حکومت مذهبی، برای صحنه گذاشتن بر شکست‌های طرف دیگر و نشان دادن ابعاد وخیم رویداد (کلمه‌هایی مانند خون‌ریزی، حمله، زدوخوردها، درگیری، اختلاف، هرج و مرج و تونل تاریک) استفاده کرده و در نهایت گروه سوم واژگان مثبت بر راه‌حل یا پایان ایده‌آل آن (گفتگو، پیشنهاد، اتحاد ملی، میان‌داری، اصلاح، وحدت

ملی و آشتی) دلالت دارند که می‌توان آن‌را موضع شبکه در قبال رویداد هم قلمداد کرد. در متن دوم، واژگان دارای بار معنایی مثبت را می‌توان حول دو مفهوم مرکزی سامان داد. «انتخابات دموکراتیک»، تنها منبع مشروعیت «رئیس‌جمهور منتخب» و همنشین کلمه‌هایی چون «تجربه دموکراتیک» و «دولت مشروع» است، به‌عنوان معنایی مرکزی در گفتمان اخوان در تقابل با مفهوم «تحول» و تشکیل «حکومت ائتلافی» که خواست نهایی مخالفان مرسی است قرار گرفته است. واژگان منفی نیز به ابعاد سه‌گانه‌ای از رویداد توجه دارند. بُعد اول، چشم‌انداز مخالفان مرسی را نشان می‌دهد. از نظر آنان، مرسی «خودکامه‌ای» است که امکان دارد با توسل به «تقلب»، حق قانونی آنها برای تغییر را به مخاطره بیندازد. بُعد دوم، رویداد را از زاویه دید هواداران مرسی به تصویر می‌کشد که ارتش و مخالفان را «کودتاچی» و اعمال آنان را «کودتا» و «غیرقانونی» توصیف می‌کنند و دسته سوم واژگان (پرتش، خون‌ریزی، ناآرامی، اعمال تلافی‌جویانه، کشمکش، بی‌ثباتی و خشونت) به تصویر کشنده وضعیت مصر در خلال این کشمکش‌اند.

در متن سوم، واژه‌های مثبت متن در حقیقت شامل «نگرانی عمیق» برای از دست دادن ارزش‌های مثبتی چون شادی، آزادی، صلح، انتخابات و اعتماد به دموکراسی است. اما گروه دومی از واژگان مثبت متن وجود دارند که متناسب به اسلام‌گرایان بوده و حول مفهوم «مبارزه صلح‌آمیز» تمرکز یافته‌اند. این واژه‌ها شامل کلمه‌هایی نظیر خیزش عمومی، انقلاب صلح‌آمیز و نمازگزاران هستند.

در این متن، می‌توان غلبه واژگان منفی را به روشنی دید. متن به‌دنبال شرح (کشتار، قتل‌عام، گلوله جنگی و روز سیاه) و نکوهش رفتارهای غیرقابل «توجیه» ارتش است که امکان دارد دستاوردهای مثبت آن‌را تباه کند و مصر را دچار «چرخه‌ای» از «بحران‌های فراگیر» کند. پیامدهای رفتار ارتش با استفاده وسیع از کلمه‌هایی نظیر شکاف عمیق، دو دستگی، عمیق‌تر شدن شکاف و بحران‌های فراگیرتر توصیف شده است.

۲. قطب‌بندی؛ ما/آنها

در متن اول، گروه «ما» شامل مخالفان سکولار، مردم، اقشار مختلف جامعه، طرف‌داران حسنی مبارک، ملت، لیبرال‌ها، مسیحیان و ارتش است. متن، دامنه گروه خودی‌ها را وسعت می‌بخشد و با چندین اشاره به معترضان با واژه کلی‌تر مردم عملاً مردم را (غیر از اسلام‌گرایان) در گروه مخالفان جای می‌دهد. اما گروه «آنها»، در متن اول، گروه، وسعت چندانی ندارد و در متن از آنها به اخوان‌المسلمین، اسلام‌گرایان و هواداران مرسی یاد می‌شود. دیگر اعضای گروه خودی شامل دولت و مرسی، شیخ قرضاوی و هیتلر هستند. گروه آنها به طرف‌داران تنها یک گروه (اخوان‌المسلمین) کاسته شده‌اند و در برابر گروه بزرگ‌تر (بقیه ملت مصر) قرار گرفته‌اند. همچنین متن از مرسی، رئیس‌جمهور، با قرار دادن وی در کنار هیتلر (دیکتاتور) و قرضاوی (شخصیت جنجالی) مشروعیت‌زدایی می‌کند.

در متن دوم، گروه «ما» دامنه بسیار وسیعی را دربر می‌گیرد که شامل آمریکا - به‌عنوان قدرت تعیین‌کننده بین‌المللی - گروه‌های مخالف مرسی، ارتش و نیز مردم مصر است. رفتارهایی که به گروه ما نسبت داده می‌شود، شامل تلاش برای ایجاد تغییر و تشکیل حکومت ائتلافی با شرکت همه گروه‌های مصری حتی اخوان‌المسلمین است. حتی هدف از اقدام‌های امنیتی، برکناری مرسی و نیز هدف مشترک ارتش و قدرت بین‌المللی (آمریکا)، ایجاد ثبات عنوان شده است. در این متن، گروه آنها شامل افراد بی‌طرفی که تنها از دریچه قانون به رویداد می‌نگرند و نیز مرسی، اخوان، هواداران او و مردم مصر است. گروه آنها در جایگاه فرودست قرار گرفته‌اند و به‌نظر می‌رسد قدرت خود را از دست داده‌اند.

در متن سوم، گروه ما به‌شدت تقلیل پیدا کرده و در حقیقت به دولت موقت و ارتش، محدود شده است. در این متن، مخالفان مرسی غایب هستند و منازعه میان ارتش و اخوان‌المسلمین در جریان است. گروه آنها در مقایسه با گروه ما بسیار وسیع‌تر

است. البته این به معنای مشروعیت دادن به طرف مقابل (آنها) نیست. بلکه به دلیل اعمالی است که به گروه ما نسبت داده می‌شود و خالق متن به دنبال محدود کردن تأثیر این اقدام‌ها است. ارتش به روی نمازگزاران اخوانی آتش گشوده و آنها را قتل عام کرده است. در چنین شرایطی توجیه رفتار ارتش بسیار دشوار و حتی تا حدودی غیرممکن نشان می‌دهد. در این شرایط، خالق متن با پذیرش رفتار ناشایست می‌کوشد آن را به افراد معدودی منتسب کرده و دامن مخالفان و گروه‌هایی سیاسی را منزه سازد.

۳. مفاهیم ضمنی

متن اول با استفاده از تخفیف و جابه‌جایی، تلاش کرده پیروزی مرسی را کم‌اهمیت جلوه داده و در حقیقت پیروزی وی را به نفع رقیب مصادره کند. مجری بی‌بی‌سی می‌گوید: «مرسی در انتخابات ریاست‌جمهوری با اختلاف ناچیزی پیروز شد.» بنابراین پیروزی کم‌اهمیتی به دست آورده و هم‌اکنون پس از گذشت یک‌سال و اقدام‌های بحث‌برانگیز، شاید نتواند اکثریت مصریان را با خود همراه کند. به عبارت دیگر، اکنون مخالفان، از او قدرتمندترند. اینجا به صورت ضمنی جایگاه مرسی، به عنوان پیروز رقابت و مخالفان جابه‌جا می‌شود.

گزارشگر از وقوع اعتراض‌های گسترده علیه مرسی در مصر به عنوان «تحول» یاد می‌کند که به نوعی نشان‌دهنده استفاده از حسن تعبیر برای سوگیری جانب‌دارانه متن در حمایت از مخالفان است. علاوه بر این، مجری، برای اشاره به تهدید ارتش به مداخله در بحران، از واژه «میان‌داری» استفاده می‌کند که نشان‌دهنده حمایت ضمنی از ورود ارتش به ماجراست.

همچنین استفاده از استعاره «تونل تاریک»، بیان‌کننده آینده نامعلوم مصر در صورت ادامه هرج و مرج و بحران و به نوعی توجیه‌کننده مداخله ارتش برای کنترل شرایط است.

در متن دوم، بی‌بی‌سی فارسی برای سوگیری ضمنی به سمت مخالفان از حسن تعبیر استفاده می‌کند. گزارشگر بی‌بی‌سی در توصیف فضای عمومی مصر، به شادی مخالفان

مرسی که در خیابان هستند اشاره می‌کند و در مورد طرف مقابل می‌گوید: «در دیگر مناطق، نیروهای ارتش در خیابان‌ها مستقر هستند.» گزارشگر در حقیقت به جای استفاده از عبارت «امنیتی کردن فضا توسط ارتش» از جمله‌ای که بار معنایی منفی کمتری دارد استفاده می‌کند. تحلیلگر بی‌بی‌سی نیز در پیش‌بینی خود از آینده مصر و کاری که ارتش پس از برکناری مرسی انجام خواهد داد، از عبارت «حکومت موقت» استفاده می‌کند که اقدامی قانونی را به ذهن متبادر می‌کند. تحلیلگر، این واژه را جایگزین کلمه «کودتا» کرده که بار معنایی منفی بالایی دارد.

در متن سوم، برای اقدام ارتش در کشتن نمازگزاران گروه اخوان المسلمین، از اصطلاح «برخورد» و «واکنش خارج از تناسب» استفاده شده تا از بار معنایی اصطلاحی که خود گروه اخوان تحت عنوان «قتل عام» داده، کاسته شود. همچنین متن در جایی از ارتش می‌خواهد که برای اقدام‌هایش «مرز» قائل شود. در اینجا مرز در حقیقت حسن تعبیری برای متوقف کردن اقدام‌های غیردموکراتیک ارتش است. با این عمل، متن سعی در تلطیف اقدام‌های ارتش دارد.

مرحله دوم: تبیین گفتمان خبری تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در بازنمایی رویداد مصر

در ترسیم خط‌سیر رویداد مصر می‌توان سه نقطه عطف را مشاهده کرد. گسترش اعتراض‌ها علیه مرسی، بیانیه ارتش مصر و برکناری مرسی و حمله ارتش به اخوانی‌ها که تغییر زیادی را در صف‌بندی‌ها به وجود آورد. بی‌بی‌سی به عنوان شبکه‌ای که پایبند به ارزش‌های گفتمان لیبرال‌دموکراسی است، در مواجهه با تمام رویدادها تلاش می‌کند از پیش‌فرض‌های مبتنی بر گفتمان اصلی خود عدول نکند. اما منافعی که سیاست خارجی انگلستان، به عنوان بخشی از جهان غرب، در مصر دنبال می‌کند، در تقابل آشکار با این پیش‌فرض‌ها و ارزش‌های اصلی شبکه - که در خط‌مشی و سیاست خبری آن مشخص شده - قرار دارد.

شبکه برای رهایی از این تناقض (یعنی تناقض در سیاست اعمالی با سیاست اعلامی)،

برخی عناصر گفتمانی را به کار می‌گیرد تا بتواند برای این تناقض‌ها، توجیه‌های دموکراتیک مبتنی بر ارزش‌های گفتمان اصلی خود، ارائه کند. در گفتمان بی‌بی‌سی، گسترش اعتراض‌ها علیه مرسی، ابتدا با تصویری همراه می‌شود که بازگوکننده «مشروعیت دادن به اکثریت» است. اما در اینجا «اکثریت اعتراض‌کننده» جایگزین «اکثریت رأی‌دهنده» می‌شوند. برای توجیه این جایگزینی، بی‌بی‌سی از دو مؤلفه «حکومت قانون» و «برابری» استفاده می‌کند. اما نگرانی از درگیری، هرج‌ومرج و دخالت ارتش وجود دارد و گفتمان بی‌بی‌سی راه‌حل محور است. این راه‌حل، گفتگو با دولت، آشتی ملی و واگذاری بخشی از قدرت از سوی دولت اسلام‌گرای مرسی به مخالفان است.

به دنبال ضرب‌الاجل ارتش، وضعیت تغییر می‌کند. مرسی در اختیار ارتش قرار می‌گیرد و تمام کشور در انتظار تصمیم ارتش برای آینده سیاسی مصر است، هرچند کنار گذاشتن مرسی از قدرت تقریباً قطعی است. در چنین شرایطی، بی‌بی‌سی همچنان گفتمان مشروعیت اکثریت را تداوم می‌بخشد. اینجا هم این اکثریت، اکثریت مخالفان دولت است نه اکثریت رأی‌دهنده. اما مؤلفه گفتمانی جدیدی که در این زمان مطرح می‌شود، «ثبات» است. وضعیت مصر ناپایدار بوده و جامعه از سوی مرسی و حامیانش به «بی‌ثباتی» طولانی مدت تهدید شده است. در چنین وضعیتی، به دخالت ارتش به عنوان عامل بازگرداندن «ثبات» به جامعه، مشروعیت داده می‌شود. گفتمان بی‌بی‌سی، همچنان راه‌حل محور است. این بار راه‌حل متفاوت است: ایجاد حکومت ائتلافی با شرکت همه گروه‌ها حتی اخوان المسلمین ولی بدون مرسی. سیاست حذفی تنها به مرسی محدود شده است، راه‌حلی با حداقل پیامدهای منفی. به این ترتیب کودتا به عنوان تسهیل‌کننده حرکت به سمت وضعیت باثبات و دموکراتیک تلقی می‌شود.

در ادامه، درگیری بین دو گروه و کشته شدن طرفداران اخوان توسط ارتش، شرایط تازه‌ای به وجود می‌آورد، صف‌بندی اسلام‌گرا و غیراسلام‌گرا شکل می‌گیرد. بی‌بی‌سی

در چنین شرایطی فاصله خود را با اخوانی‌ها حفظ می‌کند و در عین حال با برخورد احتیاط‌آمیزتر با ارتش، بین خود و اقدام‌های ارتش و حتی مخالفان مرسی فاصله ایجاد می‌کند. در این متن، دیگر «مشروعیت اکثریت» دنبال نمی‌شود، بلکه شبکه بدون حمایت مستقیم از هر یک از طرف‌های درگیر در ماجرا بر مؤلفه گفتمانی «نفی خشونت» تأکید می‌کند. در عین حال، بی‌بی‌سی، گفتمان راه‌حل‌محور خود را نیز دنبال می‌کند. راه‌حل بر عهده ارتش نهاده شده که خود مشروعیت دادن به حضور ارتش در رأس قدرت و راه‌حل، برگزاری سریع انتخابات است. در ارائه راه‌حل، به اخوانی‌ها و قدرتی که از طریق انتخابات گذشته به دست آورده بودند، اشاره‌ای نمی‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت در حالی که در این دوره زمانی شبکه بی‌بی‌سی، به تدریج در ارائه راه‌حل‌های خود، جایگاه اقتداری را که به لحاظ قانونی باید در اختیار اخوان باشد، تضعیف می‌کند. به این معنا که اخوان را از جایگاه صاحب قدرت به جایگاه گروه سیاسی که باید از طریق انتخابات، سهمی از قدرت مطالبه کند، تقلیل داده می‌شود. به این ترتیب، هرچند کودتای ارتشی، رویه‌ای دموکراتیک تلقی نمی‌شود، اما به عنوان مسیر رسیدن مصری‌ها به حقوق خود پذیرفته می‌شود.

تحلیل متن رویداد مصر از شبکه یک

در این نوشتار از برنامه خبر ساعت ۹ شبکه یک، سه بسته خبری مربوط به مصر انتخاب شده که مربوط به روزهای ۱۰، ۱۳ و ۱۷ تیر است. هر یک از این بسته‌های خبری یک متن تلقی شده است.

مرحله اول: شناخت عناصر گفتمانی

۱. انسجام واژگانی

واژه‌های مثبت متن اول، حول مفهوم «دموکراسی» متمرکز هستند. مفاهیمی چون «رأی مردم»، «همه‌پرسی»، «تظاهرات مسالمت‌آمیز»، «گفتگو» و «اعتصاب»، سازوکارهایی

«دموکراتیک» برای رسیدن به «تفاهم» هستند و عمل کردن به هر شیوه‌ای جز این، «آرامش» را در جامعه از بین می‌برد. در مقابل، مفاهیم منفی را می‌توان حول مفهوم مرکزی «بحران» سامان داد که به همراه واژه‌های همنشین خود نظیر «خطرناک»، «شکست»، «حمله»، «تهدید»، «غارگیری»، «آشوب» و «بلوا»، سعی در توصیف وضع کنونی مصر دارد. متن، این اقدام‌های خشونت‌بار را «سناریویی» برای «ملتهب کردن» اوضاع مصر می‌داند.

متن دوم، رویکرد مثبتی به اتفاق‌های مصر دارد. استفاده از لفظ «تحولات»، «آرامش نسبی»، «حمایت» و «مشارکت»، خود نشان‌دهنده همدلی با این رویدادهاست. از سوی دیگر، متن، روی کار آمدن دولت موقت را در ملازمت با کلمه‌هایی چون «احترام به قانون»، «منافع ملت»، «استقلال»، «تمامیت ارضی» مصر و «خواست ملت» مشروعیت می‌دهد. اما در استفاده از واژگان منفی، متن تکیه زیادی روی مفهوم کودتا ندارد. بلکه بدون اشاره به‌عنوانی که می‌توان به این اقدام دولت داد، نگرانی از «تقلب» و «کناره‌گیری از دوستان قدیمی» عامل آن معرفی می‌شود. در مجموع، خالق متن با استفاده از ترکیب این واژه‌ها تلاش می‌کند روند کنونی را مثبت و با حداقل هزینه برای مردم جلوه دهد.

متن سوم با کاربرد واژگان مثبت درصدد مشروعیت‌دهی به تظاهرکنندگان «مسالمت‌جوی» اخوانی است. «انقلاب» مردم مصر که بخشی از فرایند «بیداری اسلامی» قلمداد شده، با واژه‌هایی چون «آرامش»، «ثبات» و «امنیت» همنشین شده که به دلیل داشتن ماهیت «ضدصهیونیستی» مورد تعدی قرار گرفته است. در مقابل، متن برای توصیف اقدام ارتش، از تعداد زیادی از واژگان منفی استفاده می‌کند. «حمله مسلحانه» ای که با کلمه‌هایی مانند «خشونت»، «درگیری‌های شدید»، «خون‌بار»، «خون‌ریزی»، «بی‌رحمانه»، «کشتار»، «قتل‌عام» و «فاجعه» همنشین شده است. بدین ترتیب، متن، از نظامیان و طرف‌داران آنها مشروعیت‌زدایی می‌کند.

۲. قطب‌بندی؛ ما/آنها

در متن اول، شبکه‌ی یک، به شکلی صریح خودی‌ها و غیرخودی‌ها را از یکدیگر متمایز کرده است. در جبهه‌ی خودی‌ها، مرسی، اخوان‌المسلمین، ملت و کشورهای دموکراتیک و نیز قربانیان آشوب قرار می‌گیرند. به این ترتیب دامنه‌ی گروه خودی‌ها علاوه بر مرزهای مصر شامل تمام کشورهای می‌شود که به سیستم دموکراتیک انتخاب رئیس‌جمهور معتقدند. «دیگری» متن شامل ارتش و مخالفان مرسی است. این مخالفان شامل سکولارها، چماق‌داران، غیراسلام‌گرایان و بقایای رژیم مبارک هستند. در این متن کنشگران بر اساس معیار عمل دموکراتیک به دو دسته‌ی حق و باطل تقسیم شده‌اند. جبهه‌ی حق به دنبال حفظ رأی مردم و جبهه‌ی باطل به دنبال نقض آن است.

در متن دوم، جای گروه «ما» و «آنها» عوض شده است. در این متن، گروه «ما»، هم بسیار گسترده و هم بسیار متنوع است. به این معنا که از سوی ارتش، دولت موقت و حامیان جدی آنها از کشورهای عربی در آن جای گرفته‌اند یعنی هم کشورهایمانند ایران که موضع حمایت‌آمیز ملایمی در پیش گرفته‌اند و هم کشورهای غربی و نمایندگان نهادهای بین‌المللی که هنوز واکنش روشنی به این اتفاق‌ها نشان نداده‌اند. اقدام‌هایی که به دولت موقت نسبت داده شده، در حقیقت فراهم کردن مقدمات حکومت جدید و در مورد ارتش، نظارت و ایجاد شرایط برای شروع کار این دولت است. رویکرد نسبت به اقدام‌های دولت و ارتش در سراسر متن تا حد زیادی خشتی و حاوی رگه‌هایی از حمایت ضمنی است ولی گروه «آنها» بسیار محدود و تنها شامل اخوان‌المسلمین، مرسی و هواداران اوست. اقدام‌هایی نظیر اهانت به دستگاه قضایی کشور و تحریک به قتل تظاهرکنندگان، به این گروه نسبت داده می‌شود. این گروه در عرصه‌ی داخلی از به‌وجود آوردن اجماع ناتوان بوده‌اند و در حیطه‌ی بین‌المللی با کناره‌گیری از دوستان قدیمی زمینه‌های سقوط خود را فراهم کرده‌اند.

در متن سوم، شبکه‌ی یک، به قطب‌بندی خود در متن اول بازمی‌گردد. در این متن،

گروه «ما»، شامل طرفداران مرسی و اخوان المسلمین، حزب النور، عبدالمنعم ابوالفتوح، شیخ الازهر و جنبش اسلامی مصر است. متن سعی دارد دامنه گروه خودی را به همه مردم مصر (غیر از نظامیان و جنبش تمرد) تسری دهد. تنها رفتاری که به گروه خودی منتسب شده، اقامه نماز جماعت صبح مقابل گارد ریاست جمهوری است. البته در این متن و در گروه آنها دو دسته قرار گرفته‌اند: نظامیان و جنبش تمرد از داخل مصر و آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اسرائیل خارج از مصر. نظامیان و جنبش تمرد مجری نقشه غربی‌ها برای تأمین امنیت اسرائیل‌اند، چراکه گروه «ما» برای اسرائیل تهدید به‌شمار می‌روند و امنیت آن‌را به خطر انداخته‌اند. بدین ترتیب متن با انتساب حمله مسلحانه و نیز وابستگی خارجی به گروه آنها، مشروعیت را از «آنها» سلب کرده است.

۳. مفاهیم ضمنی

متن اول، از مخالفان مرسی که دارای ترکیبی از سکولارها، طرفداران رژیم سابق و طرفداران ارتش هستند، با عنوان «گروهی از سکولارها و...» یاد می‌کند. گروه دانستن مخالفان از سوی متن برای کوچک‌نمایی و کاستن از اهمیت و مشروعیت آنان است. اما در بخشی از متن، از زبان یکی از طرفداران مرسی بیان می‌شود که «ملت تصمیمی را که از طریق صندوق‌های رأی گرفته، لغو نمی‌کند.» اطلاق واژه ملت به طرفداران مرسی، بزرگ‌نمایی و اغراق است و متن سعی دارد به این ترتیب دامنه طرفداران مرسی را وسیع‌تر کند و به آنها مشروعیت دهد.

در متن دوم، شبکه در چرخشی آشکار، رویکرد حمایت ضمنی از مخالفان مرسی را در پیش گرفته است. متن برای متمایز کردن دوره پس از مرسی، از کنایه «اراده حقیقی» استفاده می‌کند. به کار بردن این مفهوم به معنای نفی گذشته و حاکمیت اراده مردم در دوره یک‌ساله زمامداری مرسی است.

در متن سوم، شبکه به رویکرد سابق خود یعنی حمایت از اخوان بازگشته است. استفاده

از استعاره «معرکه» در این متن در همین راستاست در جایی که می‌گوید: «... و نمازگزاران در گرگ و میش هوا، خودشان را وسط معرکه‌ای تمام‌عیار دیدند.» معرکه نامی است که معمولاً به نمایش‌های خارق‌العاده، سرگرم‌کننده و از پیش برنامه‌ریزی شده اطلاق می‌شود. استفاده از استعاره «معرکه» می‌تواند به این معنا باشد که درگیری به وجود آمده، در حقیقت برنامه‌ای از قبل طراحی شده برای سرکوب مخالفان اخوانی است.

همچنین در این متن، در چند مورد کلمه‌هایی نظیر «مدعی شده»، «ادعا کرده» و «خواننده»، در جمله‌هایی مثل «وزارت دفاع مصر مدعی شده...»، «وزارت دفاع مصر این افراد را تروریست‌های مسلح خوانده»، «... سخنگوی ارتش مصر... مدعی وجود عناصر مسلح در میان تجمع‌کنندگان...» و «ارتش مصر امروز با ادعای کشف سلاح، مقر اخوان المسلمین را در قاهره بست»، برای اشاره به اقدام‌ها و مواضع ارتش مصر به کار رفته که خالق متن، با کنایه از این مواضع و اقدام‌های ارتش مصر حکایت کرده و بر درستی آنها تردید افکنده است.

مرحله دوم: تبیین گفتمان خبری شبکه یک در روایت رویداد مصر

نگاه شبکه یک به رویداد مصر در قالب گفتمان اسلام‌گرایی است. البته این شبکه در کنار گفتمان غالب خود، مؤلفه‌های سایر گفتمان‌ها از جمله لیبرال‌دموکراسی را نیز به خدمت می‌گیرد.

مؤلفه گفتمانی اصلی این متن «حمایت از اسلام‌گرایان» است. متن اول به‌خوبی این حمایت را نشان می‌دهد. شبکه بر حقانیت اسلام‌گرایان پای می‌فشارد و تلاش می‌کند این حقانیت را با تکیه بر «خواست مردم» توضیح دهد. پیروزی مرسی در انتخاباتی مورد قبول و آزاد، سند این حقانیت است. متن برای مشروعیت‌زدایی از عمل مخالفان مرسی، عمل آنها را «سناریویی از پیش طراحی شده» برای ایجاد هرج و مرج و زمینه‌چینی برای ورود ارتش به ماجرا می‌داند.

با برکناری مرسی، شبکه به‌صورت تلویحی از برکناری وی حمایت می‌کند و در

تناقضی آشکار با مؤلفه گفتمانی اصلی خود (حمایت از اسلام‌گرایان) قرار می‌گیرد. برای رفع این تناقض شبکه به دو مؤلفه دیگر متوسل می‌شود. مؤلفه «خواست اکثریت» و «حمایت از جبهه مقاومت». با استفاده از این دو مؤلفه تلاش می‌کند رویداد مصر را از کنار گذاشته شدن اسلام‌گرایان به برکناری مرسی و اخوانی‌ها از قدرت تقلیل دهد. به این ترتیب که برکناری مرسی را به دلیل ناکامی در برآوردن «خواست اکثریت»، مشروع می‌شمارد و این اکثریت را به مردم مصر تعمیم می‌دهد.

از سوی دیگر، شبکه با تقلیل گروه اسلام‌گرایان به حامیان «جبهه مقاومت»، مؤلفه گفتمانی دیگری را برای توضیح دادن موضع سلبی خود در برابر مرسی و اخوان وارد معادله می‌کند که در نمونه اول وجود ندارد. این مؤلفه را می‌توان «حمایت از جبهه مقاومت» نامید. شبکه یک، موفقیت هر گروه سیاسی را در مصر به این مؤلفه منوط می‌کند. این شبکه در این زمینه بر دو نکته تأکید می‌کند: اول اینکه مرسی از جبهه مقاومت و حامیان آن فاصله گرفته که به‌طور تلویحی یادآور سوریه، حزب‌الله و ایران بوده و از سوی دیگر تداعی‌کننده جریان اسلام‌گرایی نیز است، به‌طوری‌که به‌نظر می‌رسد شبکه، جبهه مقاومت را به‌عنوان مصداق و معیار اسلام‌گرایی معرفی می‌کند. دوم اینکه مرسی سعی داشت به دشمنان خود نزدیک شود که می‌تواند تداعی‌کننده اسرائیل و کشورهای غربی حامی آن باشد. از این نکات می‌توان چنین نتیجه گرفت که متن برای رفع تناقض، به‌دنبال بیان این معناست که مرسی از یکی از مؤلفه‌های اصلی گفتمان اسلام‌گرایی (حمایت از جبهه مقاومت) فاصله گرفته و لذا محکوم به شکست است و هر حرکت جدیدی نیز در مصر تنها در صورت نزدیکی به آن، مشروعیت خواهد داشت.

در نمونه سوم که مربوط به بعد از حمله ارتش به حامیان مرسی است، شبکه دوباره به مؤلفه اصلی خود (حمایت از اسلام‌گرایان) باز می‌گردد. با این تفاوت که این بار اسلام‌گرایان را با صراحت بیشتری از غیر آنها جدا کرده و در گروه حق قرار می‌دهد.

این کار به‌طور ضمنی به تقویت مؤلفه «حمایت از جبهه مقاومت» که در متن دوم نیز مطرح شده، انجامیده است. در این متن خبری از مؤلفه «خواست مردم» یا «مشروعیت اکثریت» که از گفتمان لیبرال دموکراسی وام گرفته شده، نیست اما مؤلفه «توطئه» که حمایت‌کننده دو مؤلفه اول است با وضوح بیشتری در مقایسه با متن اول مطرح شده است. «توطئه» یا «نقشه از پیش طراحی شده»، خطی است که نمونه اول و سوم را به یکدیگر پیوند می‌زند و می‌توان آن را به‌عنوان یکی از عناصر محوری گفتمانی شبکه یک، در بازنمایی رویداد مصر به‌شمار آورد. با این تفاوت که در نمونه اول منشأ توطئه، نیروهای مخالف داخلی و ارتش‌اند و متن درباره دخالت یا دخالت نداشتن قدرت‌های خارجی سکوت کرده است، در حالی که در این نمونه سوم عاملیت توطئه علیه انقلاب مردم مصر به غربی‌ها، اسرائیل و عوامل داخلی آنها نسبت داده می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

جمع‌بندی بازنمایی دو شبکه تلویزیونی از رویداد مصر، مؤلفه‌های گفتمانی مورد

استفاده آنها را به‌دست می‌دهد. این مؤلفه‌ها به شرح جدول زیر هستند:

مقایسه مؤلفه‌های گفتمانی اخبار دو تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی و شبکه یک صداوسیما ج.ا.ا در بازنمایی رویداد مصر

فاصله زمانی رویداد	مؤلفه‌های مورد استفاده بی‌بی‌سی فارسی	مؤلفه‌های مورد استفاده شبکه یک
گسترش اعتراض‌ها	مشروعیت اکثریت حکومت قانون برابری راه‌حل محور بودن	سناریو بودن رویداد دموکراسی حمایت از اسلام‌گرایان
برکناری مرسی	مشروعیت اکثریت ثبات راه‌حل محور	حمایت از جبهه مقاومت خواست مردم
حمله به حامیان مرسی	نفی خشونت راه‌حل محور	توطئه باطل بودن ارتش و حامیان آن حقانیت اسلام‌گرایان

هنگام گسترش اعتراض‌ها، بر خلاف بی‌بی‌سی که اعتراض را به‌عنوان امری دموکراتیک حتی برای ساقط کردن نظامی دموکراتیک مجاز می‌داند، شبکه یک آن‌را سناریوی از پیش طراحی‌شده بر ضد دموکراسی برمی‌شمارد. توطئه‌ای که غرب آن‌را هدایت می‌کند. حرکتی که در راستای گفتمان استکبارستیزی در تلویزیون ایران بازنمایی می‌شود و در حقیقت نتیجه سیاست‌های کلی رسانه‌ای سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران است. البته در این متن شبکه یک، برای حمایت از اسلام‌گرایان از مؤلفه‌های گفتمان لیبرال‌دموکراسی مدد می‌گیرد.

وضعیت در متن دوم به‌گونه‌ای دیگر است. رویکرد بی‌بی‌سی همچنان در قالب گفتمان لیبرال‌دموکراسی سخن می‌گوید ولی شبکه یک در عین به‌کارگیری گفتمان اسلامی (حمایت از مقاومت) با طرح مؤلفه «خواست مردم» به مفهوم «مشروعیت اکثریت» بی‌بی‌سی بسیار نزدیک می‌شود، به‌طوری‌که موضع شبکه یک هنگام برکناری مرسی بسیار نزدیک به رویکرد بی‌بی‌سی در متن اول (گسترش اعتراض‌ها) یعنی پذیرش مشروعیت اعتراض به مرسی و برکناری وی (دموکراسی علیه دموکراسی) به دلیل مشروعیت خواست اکثریت مردم است.

پس از حمله ارتش به حامیان اخوان هر دو شبکه از به‌کارگیری مؤلفه‌های مورد تأکید خود در متون قبلی (نظیر مشروعیت اکثریت و خواست مردم و...) احتراز کرده‌اند. هرچند بی‌بی‌سی در ارائه راه‌حل همچنان نیم‌نگاهی به انتخابات آزاد دارد ولی تلاش عمده متن مصروف نفی خشونت و فاصله گرفتن از عاملان آن شده است. رویکرد شبکه یک در این متن دوباره از بی‌بی‌سی فارسی فاصله می‌گیرد. شبکه یک دوباره به رویکرد خود هنگام شروع اعتراض‌ها بازمی‌گردد و دو مؤلفه توطئه (این بار از سوی غرب) و حمایت از اسلام‌گرایان بیش از سایر مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌توان آن‌را به خط‌مشی سازمان مبنی بر استکبارستیزی و حمایت از جریان‌های

اسلام‌گرا (افق رسانه، ۱۳۸۵: ۱۰) مربوط دانست.

نحوه بازنمایی رویدادهای مصر در قالب خطوط کلی سیاست‌های هر یک از این دو تلویزیون نیز قابل توضیح است. بی‌بی‌سی فارسی در بازنمایی رویدادها مدعی رعایت بی‌طرفی است، به طوری که در خط‌مشی‌های ویراستاری آن چنین آمده است: «ما باید در مواجهه با مخاطبان خود گشوده، صادق، صریح و منصف باشیم جز زمانی که منفعت عمومی روشنی وجود دارد...» (BBC Editorial Guidelines, 2013). به همین دلیل، بی‌بی‌سی در مواجهه با رویداد مصر تلاش می‌کند تعلق خود به گفتمان لیبرال‌دموکراسی را به‌عنوان یک پیش‌فرض اساسی طبیعی‌سازی کند و با استفاده نکردن از صفتی، همراهی خود با یکی از طرفین منازعه را پنهان کند. این تلاش زمانی که رویداد حمله به حامیان مرسی اتفاق می‌افتد، شدت می‌گیرد. به این معنا که حتی در بررسی رمزگان‌های فنی متن (زاویه دوربین و...) نیز شبکه فاصله خود را با ارتش به‌عنوان عامل خشونت عمدی افزایش می‌دهد و بیشتر به سمت جایگاه ناظر بی‌طرف تمایل دارد.

در شبکه یک نیز هرچند بی‌طرفی به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده، ولی استثناهایی هم برای آن وجود دارد که با سیاست‌های کلی نظام هم‌راستا است. از آن جمله حمایت از گروه‌ها و کشورهای اسلام‌گراست که بر خط‌مشی رسانه‌ای نیز تأثیر گذاشته و لاجرم به هنگام بازنمایی رویداد، وزنه را به نفع اسلام‌گرایان سنگین می‌کند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به بند هفتم سند افق رسانه به‌عنوان یک سند بالادستی اشاره کرد که رسالت رسانه ملی را «روشنگری همه‌جانبه در خصوص استعمار فرا نو و ایجاد هم‌گرایی و همبستگی عمومی میان مسلمانان جهان در راستای حفظ منافع جهان اسلام...» عنوان می‌کند. در بازنمایی رویداد مصر نیز به روشنی می‌توان این جهت‌گیری را در تصویری که از فرایند برکناری مرسی ارائه شده مشاهده کرد. با این وصف می‌توان گفت این بررسی مهر تأیید مجددی بر این ادعاست که بازنمایی رسانه‌ها از رویدادها متأثر از سیاست‌های کلان و خط‌مشی‌های رسانه‌ای منتج از آنهاست.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰). *آموزش دانش سیاسی؛ مبانی علم سیاست نظری*. تهران: مؤسسه پژوهش نگاه معاصر.
- بصیری، محمدعلی، صدرالله حسنی بلیانی، (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی گفتمان اسلامی در انقلاب ایران (۱۳۵۷) و مصر (۲۰۱۱)». فصلنامه *رهیافت انقلاب اسلامی*. سال ششم. شماره ۲۰: ۶۰-۳۹.
- دارا، جلیل، مصطفی کرمی، (۱۳۹۲). «آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی». فصلنامه *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۶: ۹۱-۱۲۰.
- شکرخواه، یونس، (۱۳۷۷). *خبر*. چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۷). *رسانه و بازنمایی*. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- وندایک، تئون ای، (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوری انتقادی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ویلیامز، کوین، (۱۳۸۶). *درک تئوری رسانه‌ها*. ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: ساقی.
- هال، استوارت، (۱۳۹۱). «گزیده‌هایی از عمل بازنمایی». در: کوبلی، پل (ویراستار) *نظریه‌های ارتباطات*، جلد سوم، ترجمه احسان شافاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- یورگنسن، ماریان، لوئیز فیلیپس، (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

منابع انگلیسی

- BBC Editorial Guidelines, (2013). "Section 6: Fairness, Contributors and Consent". <http://www.bbc.co.uk/editorialguidelines/guidelines>.
- Blaydes, Lisa, James Lo, (2011). "One man, one vote, one time? A model of democratization in the Middle East". *Journal of Theoretical Politics*. 24(1) 110-146.
- Casey, Brenadette and et. Al, (2002). *Television Studies: Key Concepts*. London and New York: Routledge

- Dallmayr, Fred, (2012). **Radical changes in the Muslim world: Turkey, Iran, Egypt**". Sage Publications; *Philosophy and Social Criticism*. 38(4-5) 497.
- Eyadat, Zaid M. (2013). **"Fiqh Al-Aqalliyât and the Arab Spring: Modern Islamic theorizing"**. Sage Publications; *Philosophy and Social Criticism*. 39(8) 733-753.
- Faulks, Keith, (2000). *Citizenship*. London and New York : Routledge.
- Giles, Judy, Tim Middleton, (1999). *Studying Culture: A practical Introduction*. Oxford: Blackwell
- Gray, Melissa, (2013). **"New Egyptian government to be in place by spring, foreign minister says"**. September 28, 2013, http://edition.cnn.com/2013/09/28/world/meast/egypt/index.html?hpt=iaf_c2
- Lloyd, Jonathan Jordan, (2004). *What's the News? A Study of Senior Citizens' Television News Uses and Gratifications*. A Thesis submitted to the Department of Communication in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science Degree Awarded: The Florida State University; College Of Communication
- Moghadam, Valentine M, (2013). **"What is democracy? Promises and perils of the Arab Spring"**. *Current Sociology*. 61(4) 393-408.
- Nepstad, Sharon Erickson. (2013). **"Mutiny and nonviolence in the Arab Spring: Exploring military defections and loyalty in Egypt, Bahrain and Syria"**. Sage Publication: *Journal of Peace Research*. 50(3) 337-349.
- Oliver, D, D Heater, (1994). *The Foundation of Citizenship*. Edited by Ursula Vogel and Michael Moran. Houndmills, Basingstoke, Hampshire: Macmillan.
- Smith-Spark, Laura, (2013). **"The rise and rapid fall of Egypt's Mohamed Morsy"**. Updated: July 4, 2013, <http://edition.cnn.com/2013/07/02/world/meast/egypt-morsy-profile/index.html>
- Spindel, Chad, (2011). **"The People Want to Topple the Regime: Exploring the Arab Spring in Egypt"**. *Syria, and Jordan*. Sage Open. 1-7.
- van Dijk, A Teun, (1988). *News as Discourse*, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates. Inc.
- Vreese, Claes H. de, (2005). **"News framing: Theory and typology"**. *Information Design Journal*. Vol. 13, No. 1: 48-59.
- Wikipedia, (2013). **"Mohamed Morsi"**. July 2013, http://en.wikipedia.org/wiki/Mohamed_Morsi.